

گوشه‌ای از عنایات و توجهات خداوند به بندگان*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح

چکیده

این مقاله شرحی بر مناجات‌المریدین امام سجاده علیه السلام است. در این فراز از مناجات، حضرت به معرفی خداجویانی می‌پردازد که هدفشان نیل به قرب الهی است. در این مسیر پرفراز و نشیب، داشتن الگو و راهنمای سیر و سلوک برای نیل به کمال ضروری است. علاوه بر این، شناسایی و توجه به عنایتی که خدای متعال به سالک راه خویش نموده، لازم است.

عنایت و لطف خدای متعال همواره بر حق بندگان است، اما دریغ از اندکی توجه به عنایت الهی. انسان گاهی اوقات حتی نسبت به سپاس از محبت و الطاف پدر و مادر و دوستان و همسر خویش غافل می‌شود. سر شکرگذاری از خداوند در کنار والدین در قرآن، این است که انسان را سپاسگزار بار آورد. امام علیه السلام در ادامه به بیان تدبیرهای خداوند برای جذب انسان‌های غافل می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: خدا، غفلت، سپاس، عنایت و محبت.

مقدمه

از بررسی فرازهای پیشین «مناجات‌المیریدین» به دست آمد که فراتر از هدف‌هایی که عموم مردم در مناجات خود در پی رسیدن به آنها هستند، هدفی والاتر به نام «قرب به خداوند متعال» وجود دارد که اولیا و دوستان خاص خدا درصدد دست‌یابی به آن هستند. عموم مردم در آرزوی رسیدن به منافع و شادکامی‌هایی در آخرت هستند که نمونه آنها را در دنیا درک کرده‌اند و نیز درخواست‌هایی از عذاب‌ها و رنج‌هایی در آخرت را دارند که در دنیا نیز به نوعی از آنها احتراز می‌جویند. آنان برای رسیدن به ثواب و نعمت‌های بهشتی و نجات از عقاب الهی و عذاب جهنم، به انجام تکالیف و وظایف خویش مبادرت می‌ورزند و از اینکه هدفی فراتر از آنها به نام «قرب الهی» وجود دارد که دارای مطلوب ذاتی است، غافل هستند. در این راستا، حضرت در مناجات خود به معرفی خداجویانی می‌پردازند که اراده رسیدن به قرب الهی را دارند و برای رسیدن به این هدف متعالی و از بین راه‌های گوناگونی که برای دست‌یابی به آن وجود دارد، از خداوند می‌خواهند که راه کوتاه‌تر و کم‌خطرتری به آنان بنماید، تا زودتر به هدف غایی خویش دست یابند. سومین نکته‌ای که در مناجات حضرت بدان پرداخته شده است، نیاز به الگو و پیش‌گام جهت سیر و سلوک و پیمودن مسیر پرفراز و نشیب تعالی و تکامل است؛ زیرا در هر حرکتی بخصوص در سیر و حرکت معنوی، وجود الگو نقش اساسی در موفقیت انسان دارد. اگر انسان در سیر و حرکت خود از رفیقی شایسته و آشنای به مسیر نیل به معبود برخوردار باشد، با سرعت و اطمینان بیشتری راه را می‌پیماید. بر این اساس، حضرت به معرفی اوصاف پیشگامان سیر و سلوک و نیل به قرب الهی پرداختند.

نقش توجه به کرم و رحمت الهی در افزایش انگیزه بندگی نکته دیگری که حضرت بیان می‌کنند، شناسایی توجه و عنایتی است که حضرت معبود به سالک راه خویش دارد. چه اینکه پس از شناسایی طریق، مقصد و همراهان راه قرب الهی، اگر انسان بداند که چسان خداوند به او عنایت و توجه دارد و مشتاق تقرب بنده به خویش است، عزم سالک بر پیمودن طریق قرب الی‌الله افزون‌تر و راسخ‌تر می‌گردد. بر این اساس، حضرت در تبیین این نکته فرمودند: «فَبِمَا مَن هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَبِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُّضِلٌّ، وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَّئُوفٌ، وَبِجَدِّهِمْ إِلَىٰ بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ»؛ ای خدایی که به آنان که رو به سوی تو آرند اقبال و توجه می‌کنی و با فضل و احسان بی‌کرانت آنان را به سوی خود می‌کشی و جذب می‌کنی و با غافلان از یاد خود رؤف و مهربان هستی و با عاطفه، لطف و جذبه محبت آنان را به درگاہت می‌کشانی. در این فراز از مناجات، لطف، عنایت، فضل و احسان خداوند به بندگان مطیع و فرمان‌بردار خویش و رحمت و رأفت وی در حق غافلان، به عنوان صفات ویژه خداوند مورد توجه قرار گرفته است. بیان این ویژگی‌ها از آن‌روست که اگر انسان با کسی سخن گوید که اعتنایی به او ندارد، سخت آزرده‌خاطر می‌گردد. اما اگر بداند کسی که مخاطب سخنان او قرار گرفته، به او عنایت و توجه دارد و علاوه بر آن، او را مورد لطف خویش قرار می‌دهد و حتی مهر و رحمت خود را از غافلان و کسانی که از درگاه وی روی برتافته‌اند دریغ نمی‌ورزد و مقدمات جذب و توجه آنان به خویش را فراهم می‌آورد، اراده و انگیزه مضاعفی برای توجه و گفت‌وگوی با چنان مخاطبی در او پدید می‌آید. شناخت و آگاهی به عنایت و توجه خداوند به بندگان، زمینه درک تجلیات صفات جلال و جمال الهی را فراهم می‌آورد و نقش مؤثری در شتاب یافتن حرکت انسان

فاصله‌ای بین انسان و او وجود ندارد و به راحتی انسان می‌تواند به خلوت انس او بار یابد و از سوی خدا، مانعی برای بندگان فراهم نمی‌آید، و فقط، خودخواهی‌ها، هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی است که انسان را از ارتباط با خداوند محروم می‌سازد. اگر انسان بر رها کردن این موانع توفیق یابد، می‌تواند با خداوند ارتباط برقرار کند و به دنبال آن، عنایت و لطف بی‌نهایت خداوند را متوجه خود سازد. آیا ارزش و افتخاری بالاتر از این می‌توان برای خود تصور کرد که خداوند خودش ما را به سوی بزرگ‌ترین سرمایه و جودی که همان سعادت ابدی و قرب به خویش است، فرا می‌خواند و ما را به نزدیک‌ترین راه وصول به این هدف متعالی رهنمون می‌سازد و موانع دستیابی به آن را از فرارویمان برمی‌دارد؟ برای اغلب مردم درک مقام قرب الهی و انس با خدا دشوار است. اگر انسان با زحمت و خودسازی و البته با توفیق الهی، توانست به درک این مقام و عظمت آن دست یابد و آن را به مثابه بالاترین و نهایی‌ترین هدف خود بشناسد و آنگاه آن را با اهداف دنیوی مقایسه کند، درمی‌یابد که انسان برای رسیدن به چنین هدفی جا دارد که صدها سال زحمت کشد و وقت صرف کند. زحمت و تلاشی که عملاً از او ساخته نیست. پس همچنانکه انسان برای رسیدن به مقاصد دنیوی تلاش می‌کند و هرچه آن مقصد بزرگ‌تر باشد، تلاش او گسترش می‌یابد، برای رسیدن به این هدف متعالی و ارزنده اخروی نیز باید تلاش فراوان داشته باشد. جا دارد انسان عمر خود را صرف رسیدن به این هدف متعالی کند. اما خداوند به قدری رؤوف، مهربان و بنده‌نواز است و ارتباط و توجه بندگان به خویش را دوست دارد و در پی آن است که به هر بهانه‌ای چتر رحمت خود را بر سر بندگان خود بگستراند که به محض توجه بنده به او و با کمترین زحمتی که بنده برای ارتباط با خدا متحمل

به سوی خدا و رسیدن به قرب الهی ایفا می‌کند. برای درک معانی بلند مربوط به ساحت الهی و از جمله عنایت و لطف او در حق بندگان، ما ناچاریم مطلب را در سطح نازل‌تر و در سطح روابط بین افراد عادی تنزل دهیم تا از رهگذر تبیین نمونه‌های قابل فهم، به تدریج امکان فهم مفاهیم و نمونه‌های متعالی‌تر و لطیف‌تر را در خود فراهم آوریم. از این رو، باید گفت: اگر انسان بخواهد با کسی ارتباط برقرار کند، خواه انگیزه او استفاده از مال و علم او باشد و یا انگیزه او بسترسازی برای رسیدن به جاه و مقام باشد و یا انگیزه او انس یافتن و ایجاد صمیمیت و دوستی بین خود و او باشد، باید کاری کند که توجه طرف را معطوف به خود سازد. مثلاً، اگر دانش‌آموز و یا دانشجویی می‌خواهد نظر استاد را به خود جلب کند، تا بیشتر از محضر او استفاده کند، باید حرکت و رفتاری را از خود بروز دهد تا استاد را علاقه‌مند به خود سازد. گاهی انسان با برخورد‌های اولیه می‌تواند توجه طرف مقابل را به خود معطوف سازد. در این صورت، کار را برای خود آسان ساخته است و زود به نتیجه خوشایند خود دست خواهد یافت. اما گاهی انسان سال‌ها تلاش می‌کند تا توجه کسی را به خود جلب کند. مثلاً، جوانی خواهان ازدواج با دختری است و برای جلب نظر آن دختر و خانواده‌اش مدت‌ها تلاش می‌کند و حتی دیگران را واسطه قرار می‌دهد و سعی می‌کند تقاضاها و خواسته‌های آنان را انجام دهد، تا در نتیجه به مطلوب خود دست یابد. در سایر امور دنیایی نیز مواردی یافت می‌شود که انسان پس از تلاش و صرف وقت فراوان، موفق به جلب نظر دیگران و رسیدن به خواسته خود می‌گردد. اما عظمت عنایت و لطف خداوند در حق انسان چنان است که به مجرد ارتباط یافتن با او و توجه یافتن به آن معبود بی‌همتا، انسان را مشمول توجه و عنایت خود می‌سازد. هیچ

می‌گردد، توجه و عنایت خود را معطوف به آن بنده می‌سازد و او را در کمند احسان، انعام و فضل بی‌کران خود قرار می‌دهد. علاوه بر این، بندگان غافل را که جاذبه‌های دنیا، هواهای نفسانی، جاه‌طلبی‌ها و وسوسه‌های شیطانی آنان را از یاد خدا غافل ساخته است، نیز از رحمت و رأفت او محروم نمی‌سازد.

اسباب و عوامل توجه به خداوند

خداوند دو دسته عوامل و وسایل را برای توجه دادن غافلان به مظاهر جمال و جلال خود فراهم ساخته است: دسته اول، عوامل و اسباب تشریحی هستند که نزول کتاب‌های آسمانی و از جمله قرآن و ارسال پیامبران در شمار این عوامل جای می‌گیرند.

دسته دوم، عوامل و اسباب تکوینی هستند که این طیف از عوامل از چنان تنوع و گستردگی برخوردارند که شاید نتوان همه آنها را شناخت. البته به مدد راهنمایی‌های قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان شناخت محدودی از این عوامل به دست آورد و به دسته‌بندی انواع و گونه‌هایی از تدبیرهای الهی برای متوجه ساختن بندگان به خویش پرداخت. یکی از آن تدبیرهای الهی، رشحات و جلوه‌های لطف و رحمت او است که در درون حیوانات و انسان‌ها قرار داده و در پرتو آن، عواطف و مودت بین آنها شکل می‌گیرد. اگر انسان در دام خودپرستی و غرور نیفتد و توجه افراطی به لذت‌های دنیوی دل او را نمیراند و از دلی بیدار و خالی از قساوت و وجدانی آگاه برخوردار باشد، وجود آن عواطف و محبت‌ها او را به مبدأ رحمت و رأفت الهی رهنمون می‌سازد و به این حقیقت پی می‌برد که خداوند چسان بندگان را دوست می‌دارد که دل آنها را کانون محبت و مهرورزی به یکدیگر قرار داده است.

ناب‌ترین، بی‌شائبه‌ترین، خالصانه‌ترین و عمیق‌ترین آن عواطف، عاطفه و محبت پدر و مادر به فرزند خویش و بخصوص محبت و عاطفه مادر به فرزند است که اگر کسی ادعا کند فقدان آن محبت و عاطفه در مادر نسبت به فرزند خویش، انقراض نسل انسان را در پی دارد، سخنی به گزاف نگفته است. وجود آن مهر و محبت، وسیله‌ای برای درک و شناخت محدود رحمت و رأفت بی‌نهایت خداوند است که در پرتو محبت به مخلوقات و بندگان خویش، رشحه‌ای از محبت خویش را در دل بندگان و مخلوقات، بخصوص در دل مادران و پدران قرار داده تا از این طریق شادمانی و شادکامی آنان برقرار بماند و نیازهای حیاتی عاطفی و روحی تأمین شود. بی‌تردید تفکر و تأمل در مهر و عطف پدر و مادر به فرزند خویش، انسان را به مهر و محبت بی‌کران الهی و در نتیجه، شکرگزاری از درگاه آن معبود بی‌همتا رهنمون می‌سازد.

چرایی توصیه به قدردانی از پدر و مادر و خداوند در کلام خدا با توجه به طریقت محبت پدر و مادر برای شناخت محبت الهی و نعمت‌های بی‌کران اوست که خداوند قدردانی و شکرگزاری از خود را در ردیف شکرگزاری از پدر و مادر قرار می‌دهد و همگان را به آن دو فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد [به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد] و پس از دو سال از شیر بازگرفته می‌شود. [به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است.» (لقمان: ۱۴)

سرّ تربیتی سفارش به شکرگزاری از پدر و مادر، در کنار شکرگزاری از خداوند در آیه شریفه این است که اگر انسان قدر نعمت پدر و مادر را نداند و از آنها غافل گردد و به

آرامش سرشار گردد و از این طریق، هم نسل انسان‌ها تداوم یابد و هم صفا و صمیمیت بین آنان نهادینه شود و بستر شکوفایی استعدادها فراهم آید. چه اینکه در محیط آکنده از صمیمیت و محبت و برخوردار از آرامش، آسایش و امنیت ظرفیت‌های نهفته انسان‌ها به بار می‌نشیند و استعدادها شکوفا می‌گردد. وجود این محبت بین زن و شوهر، که ودیعه‌ای الهی در فطرت انسان است، خود ابزاری برای توجه به محبت و عنایت خداوند به بندگان است. نباید در کنار درک چنین محبتی که عامل اساسی تداوم زندگی و بقای نسل انسان است، از محبت و لطف بی‌کران معبود مهرآفرین غافل گردیم که رشحه‌ای از محبت او موجب گردید دو انسان بیگانه از هم، با عقد و پیوند زناشویی سرشار از محبت به یکدیگر گردند. همچنین محبت دوستان به یکدیگر، محبت جاری بین معلم و شاگرد و سایر محبت‌ها و عواطفی که بین انسان‌ها برقرار است و همگی خاستگاه فطری دارند، ضمن آنکه تدبیرهای الهی برای حفظ روابط بین انسان‌هاست، ابزاری برای توجه به مبدأ رحمت، محبت و عطف و تدبیرهای خداوند برای جذب انسان‌ها به سوی خویش است.

تدبیرهای بی‌دری خداوند برای جذب انسان‌های غافل

صد افسوس که انسان از این تدبیرهای خداوند غافل است. توجه به نعمت‌ها و محبت‌های رایج بین انسان‌ها، او را متوجه منعم و مبدأ رحمت و محبت بی‌کران نمی‌سازد. انسان اگر خیلی هنرمند باشد به تکریم پدر و مادر و کسانی که به او محبت و توجه دارند، می‌پردازد و بدان‌ها احترام می‌گذارد. اما از خداوندی که دل‌ها را به یکدیگر مهربان ساخته است و همه محبت‌های انسانی قطره‌ای از محبت بی‌کران او به حساب نمی‌آید، غافل است. گاهی کار به جایی می‌رسد که نه فقط بر استفاده از

سپاسگزاری از پدر و مادری که همیشه در کنار او بوده‌اند و او را از خدمت‌ها و محبت‌های خود برخوردار ساخته‌اند نپردازد، ناسپاس بار می‌آید و از دیگران و نیز سایر نعمت‌هایی که در اختیار او قرار می‌گیرد، سپاسگزاری نمی‌کند. توجه به عواطف و محبت‌های پدر و مادر ابزاری است برای شناخت محبت خداوند به انسان. توجه به لطف و محبت معبودی که رشحه‌ای از دریای بی‌کران محبت خود را در دل مادر قرار داده که در پرتو آن حاضر است، هستی خود را فدای فرزند خود کند. حال اگر ما همه محبت‌های مادران عالم از بدو پیدایش انسان تا پایان جهان را بر روی هم گرد آوریم، به اندازه قطره‌ای از دریای بی‌کران محبت خدا نیز به حساب نمی‌آید. حال آیا سزد که انسان در قبال نعمت‌ها و محبت‌های چنین خدایی ناسپاسی کند و شانه از زیر بار بندگی او خالی کند؟! مادری که اندکی از محبت خدا در دلش راه یافته، وقتی فرزندش کار ناشایستی مرتکب می‌شود، بخصوص اگر خطا و لغزش او از روی عناد نباشد و ناشی از غفلت باشد، او را از خود نمی‌راند و در آن حال نیز مهر و محبتش را از او دریغ نمی‌دارد و او را به سوی خود جذب می‌کند؛ آیا متصور است که خداوند بندگان غافل را از خویش براند و لطف و محبت خود را از آنان دریغ کند؟

مهر و محبت زن و شوهر به یکدیگر جلوه‌ای از مهر الهی یکی دیگر از نمودها و مظاهر محبت خداوند، محبت و مؤدت زن و شوهر به یکدیگر است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «او از نشانه‌های او این است که برای شما از [جنس] خودتان همسرانی بیافرید تا بدیشان آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد، هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه‌ها و عبرت‌هاست.» (روم: ۲۱)

محبت بین دو همسر نشانه‌ای از محبت الهی و تدبیر الهی است، برای اینکه کانون خانواده از مؤدت، مهربانی و

این کفرپیشگان بر تافته از حق می‌فرماید: «کسانی که کافر شدند برایشان یکسان است که آنان را بیم دهی و یا بیم ندهی، آنان ایمان نمی‌آورند. خداوند بر دل‌هاشان و گوش‌هاشان مهر نهاده و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است و آنان را عذابی است بزرگ.» (بقره: ۷۶)

آری، خداوند بندگان غافل خود را به حال خود رها نمی‌کند و عنایت و رحمت بی‌کران خود را از آنان دریغ نمی‌دارد. آنان که فریفته زیبایی‌ها و جلوه‌های دنیا شده‌اند و فریب و سوسه‌های شیطانی را خورده‌اند، بر این باورند که پُست و مقام و محبوب گشتن نزد مردم مهم و ارزشمند است. از این رو، می‌کوشند که نزد مردم موقعیتی به هم زنند؛ غافل از آنکه انسان باید نزد کسی محبوب و عزیز گردد که مالک و همه‌کاره هستی است، نه نزد کسانی که مانند خود او فقیر و تهیدستند. وقتی که ارائه آثار لطف و رحمت الهی و مظاهر جلال و جمال الهی آنان را جذب رحمت بی‌کران الهی نکرد و آنان کماکان در توجه به مظاهر دنیا و کام‌جویی از لذت‌های دنیا غوطه‌ور ماندند، به امر و اراده خدا آنان در همان راه انحرافی که در پیش گرفته‌اند، باقی می‌مانند. در نهایت، به بن‌بست می‌رسند؛ زیرا نهایت دنیاپرستی و انحراف از مسیر حق، بن‌بست است و هیچ راهی جز راه حق انسان را به مقصود نمی‌رساند. شاید بتوان آیات مربوط به ضلالت غافلان از یاد حق و حرمان آنان از هدایت الهی را بر این راه که خداوند در پیش روی غافلان نهاده تا در نهایت آنان را متوجه رحمت خود کند حمل کرد. مثلاً، وقتی خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (مائده: ۵۱)؛ منظور از هدایت در فرموده خداوند، هدایت عام الهی نیست، چون مؤمن و کافر و همه بندگان از هدایت عام الهی برخوردارند، بلکه منظور هدایت خاص الهی است و در پی این حرمان از هدایت خاص الهی، افراد به بن‌بست می‌رسند و راهی را

نعمت‌های الهی متوقف می‌ماند و نقش ابزاری آنها را فراموش می‌کند و از طریق بهره‌بری از آنها جذب خداوند و رحمت بی‌کران او نمی‌گردد، بلکه از یاد خداوند فراری می‌گردد و حالت رمیدگی و دل‌زدگی از یاد خدا به او دست می‌دهد. از مجلسی که در آن از خدا و بندگی و اطاعت او سخن به میان می‌آید، می‌گریزد و در مجلسی شرکت می‌کند که در آن فرصت بهره‌مندی از لذت‌جویی‌های مادی فراهم است. (تازه اگر در آن مجلس لذت‌های حلال و مشروع مورد استفاده قرار گیرد که در این صورت حرجی بر او نیست و اگر حریم احکام الهی را بشکنند و مرتکب حرام گردد و خود را به لذت‌های حرام مشغول سازد، باید مورد سرزنش و مذمت قرار گیرد). اما خداوند این بندگان غافل و رمیده از یاد خود را به خود وانمی‌گذارد. اگر آیات رحمت و عطا الهی آنان را متوجه خداوند نساخت، تدبیرها و راه‌های دیگری را پیش روی آن بندگان غافل قرار می‌دهد تا آنان جذب رحمت الهی گردند و از لطف بی‌کران خداوند در حق خویش بهره‌مند شوند. البته مادام که انسان‌ها بر پیمان بندگی خود با خداوند باقی هستند و چراغ ایمان کاملاً در دلشان بی‌فروغ نگشته مشمول رحمت و محبت خداوند هستند و خداوند با تدبیرهای خود غفلت را از دل آنان می‌زداید و آنان را متوجه الطاف و رحمت بی‌کران خود می‌سازد. اما اگر نور ایمان از دلشان بر تافت و جای آن را کفر و عناد با خداوند گرفت و به دشمنی با خداوند و اولیای او پرداختند، مشمول غضب و خشم الهی می‌گردند. در مرحله اول، خداوند بر دل و دیدگان آنها مهر می‌نهد تا راه هدایت را نجویند و همچنان در مسیر ضلالت، گمراهی و سقوط در منجلاب عصیان و کفر غوطه‌ور گردند، تا بدین‌سان عقوبت آنان در دنیا رقم خورد؛ در آخرت نیز عذاب و قهر الهی گریبان آنها را می‌گیرد. خداوند درباره

خلق را با تو بد و بدخو کند تا تو را ناچار رو آن سو کند آری، گاهی خداوند شرایطی را پیش می‌آورد که انسان به هر راهی که برود و هر دری را بگوید ناامید گردد. در انتهای راه و در اوج ناامیدی و سرخوردگی فریاد «یا الله» سر می‌دهد و از خداوند می‌خواهد که او را دریابد. در آن شرایط، او سخت محتاج رحمت و لطف خداست و به خوبی لذت لطف و عنایت خدا را درک می‌کند. چنان‌که وقتی انسان سخت تشنه شده است، طعم آب گوارا را درک می‌کند و از نوشیدن آن لذت می‌برد. یا وقتی که سخت گرسنه گردیده، مزه غذای خوش‌گوار را احساس می‌کند و از خوردن آن لذت می‌برد. همچنین وقتی سخت نیازمند محبت گردیده، لذت نوازش دست محبت‌آفرین را می‌فهمد و قدر آغوش مهر و عطف را می‌شناسد. کودک در شرایط عادی که پیوسته مهر و محبت مادر بر او می‌بارد و رنج حرمان از محبت را نچشیده و پیوسته مادر دست بر سر او می‌کشد، آن‌سان که باید لذت محبت را درک نمی‌کند. بخصوص کودکانی که بازیگوش و نافرمان‌اند، هرچه بیشتر مورد نوازش مادر قرار گیرند، جسورتر و بی‌پروا تر می‌گردند. اما وقتی آن کودک مورد بی‌اعتنائی قرار گرفت و به هرکس رو انداخت توجهی به او نکرد و سرخورده گردید، قدر محبت را می‌شناسد و لذت دست نوازشگری که بر سر او کشیده می‌شود خوب می‌فهمد. مرحوم علامه طباطبائی به نقل از مرحوم آیت‌الله قاضی طباطبائی می‌فرمودند: گاهی خداوند بنده‌ای را سال‌ها به فقر یا بیماری و سختی مبتلا می‌کند تا یک «یا الله» بگوید. پس این توجه به خدا و نورانیتی که به دنبال آن در انسان پدید می‌آید، به قدری ارزشمند و مفید است که می‌ارزد انسان سال‌ها متحمل سختی، رنج و گرفتاری گردد و پس از آنکه از همه چیز و همه کس ناامید شد، این توجه به لطف و رحمت الهی در دل او پدید آید.

فراروی خود نمی‌یابند و درمی‌یابند که مسیر باطلی را پیموده‌اند و عمری را در گمراهی سپری ساخته‌اند. در پی این تدبیر الهی که غافلان به مرز ناامیدی، سرخوردگی و به بن‌بست می‌رسند و احساس می‌کنند که دری به روی آنان گشوده نیست و کسی نیست که آنان را راه نماید، بر اثر نور ایمانی که هنوز در دل آن غافلان باقی مانده و در اوج اضطرار و ناامیدی آنان از اسباب و وسایل مادی، خداوند به آنان پناه می‌دهد و با کمک و مدد خویش آنان را از نابودی و هلاکت ابدی می‌رهاند و آنان را متوجه خویش می‌کند. خداوند در ترسیم این تدبیر الهی می‌فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (عنکبوت: ۶۵)؛ و چون در کشتی سوار شوند خدای را با اخلاص بخوانند، و چون آنان را به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد، بناگاه شرک می‌ورزند.

شاید مثلی که خداوند در آیه شریفه بدان اشاره کرده است، محسوس‌ترین و عینی‌ترین تجربه‌ای است که انسان در زندگی با آن روبه‌رو می‌گردد. چنان‌که وقتی گروهی سوار بر کشتی در وسط اقیانوس با امواج کوه‌پیکر مواجه می‌گردند و کشتی غرق می‌گردد و آنان هیچ وسیله‌ای برای رهایی خود نمی‌یابند، به ناگاه به خداوند توجه پیدا می‌کنند و از او یاری می‌خواهند، در زندگی برای هرکسی صحنه‌هایی پیش می‌آید که انسان در اوج گرفتاری، از همه کس و همه چیز ناامید می‌گردد؛ کسی را نمی‌یابد که به او کمک کند و در اوج ناامیدی و درماندگی، ناگاه به خداوند توجه می‌یابد و بارقه امید و رهایی از گرفتاری و مشکلات در دل او می‌تابد. خداوند به وسیله این تدبیر مؤثر بندگان خود را که راه‌های دیگر به رویشان مسدود گردیده، به سوی خود جذب می‌کند و رحمت بی‌کران خود را به آنان می‌نمایاند.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی